

مهار تورم

در دست رأی‌دهندگان

مشارکت در عرصه انتخابات و مهار تورم

محمد بیدار

تورم (Inflation) یکی از موضوعات بسیار مهم در اقتصاد کلان بوده و از سابقه بسیار دیرینه‌ای در ادبیات اقتصادی برخوردار است. اقتصاددانان تورم را به «افزایش سطح عمومی قیمت‌ها به صورت نامتناسب و برگشت‌ناپذیر» تعریف کرده‌اند. بنابراین سه قید مهم در این تعریف وجود دارد. با توجه به این قیود نمی‌توان هر افزایش قیمتی را مصداق تورم دانست. چون تورم یک اصطلاح تخصصی است و راهکارهای مقابله با آن نیز روش‌های خاص خود را دارد. بنابراین باید ابتدا موضوع را دقیق شناخت تا بتوان درباره آن سخن گفت.

می‌کند و زمینه‌های انتقال وضعیت تورمی اقتصاد را به مرحله بعدی (تورم سواره) هموار می‌سازد.

۳. تورم سواره: (Gallop Inflation) تورم سواره به تورمی اطلاق می‌گردد که نرخ آن مابین ۱۰ درصد نرخ سالانه تا ۵۰ درصد نرخ ماهانه باشد. در این زمان، اقتصاد تضعیف شده و ارزش پول نیز تا حدی کاهش پیدا می‌کند. همچنین، نیروهای انسانی کسب و کارها نیز در تأمین نیازهای خود با مشکل مواجه می‌شوند.

۴. ابر تورم (Hyperinflation): ابرتورم به تورمی گفته می‌شود که نرخ ماهیانه آن حداقل ۵۰ درصد باشد. ابرتورم در دنیا در برخی کشورها تجربه شده است. به ویژه بعد از جنگ جهانی اول و دوم، شکست خوردگان جنگ دچار ابرتورم شدند. در آلمان پس از جنگ جهانی اول، نرخ تورم ماهانه ۳۲۳ درصد در یک ماه بوده است. قیمت‌ها در یک ماه بیش از چهار برابر افزایش قیمت داشته. حتی نقل شده در مقطعی، گاه ساعتی تغییر می‌کرده و به دو برابر رسیده بود. نقل شده است: پولی که به اندازه دو قرص نان بوده، با توقف یک ساعت، به اندازه یک قرص نان شده است. در مجارستان تورم ماهانه ۱۹ درصد در روز بوده است. در ونزوئلا نیز همین‌گونه است و به ۱۹۳ درصد در سال رسیده است.

وضعیت تورم در اقتصاد ایران

در ایران از سال ۱۳۵۲ تورم دو رقمی بوده است و قبل از آن تورم رونده بوده است. و به دلیل شوک نفتی، به بالای دو رقم رسیده است. آماری که توسط بانک مرکزی منتشر شده قبل از سال ۵۲ رونده بوده، و از آن زمان تا کنون تورم سواره بوده است. جز در سال ۵۴ که ۹ و ۹ دهم درصد بوده است. در سال ۶۴، ۶ و نه دهم بوده و در سال ۶۹ نیز ۹ درصد بوده است. سالهای ۹۵ و ۹۶ نیز یکی ۹ و ۶ دهم برسد و دیگری ۹ درصد بوده است. بالاترین میزان تورم سال ۱۳۷۴ بوده که ۴۹ و ۴ دهم درصد و آخرین نرخ تورم در ایران سال ۱۴۰۱، ۴۶ و ۵ دهم درصد بوده است.

عوامل تورم

به طور کلی عوامل تورم در اقتصاد به دو بخش ریشه‌ای و میانی تقسیم می‌کنند. عوامل میانی یعنی متأثر از عوامل دیگری است.

عوامل میانی یا روبنایی دو چیز است: افزایش تقاضا و افزایش هزینه تولید؛ که این دو عامل می‌تواند معلول عوامل مختلفی باشد.

از جمله عوامل اصلی که موجب افزایش تقاضا و افزایش هزینه تولید می‌شود، افزایش حجم نقدینگی است. که در ایران به ویژه توسط بانکهای خصوصی بیشتر دامن زده می‌شود. به طور طبیعی وقتی

قید اول سطح عمومی قیمت هاست. گاه یک یا چند کالای محدود و خاص افزایش قیمت پیدا می‌کند. اما سطح عمومی قیمت‌ها بالا نرفته است و قیمت اکثر کالاها ثابت مانده. مثلاً ده درصد از کالا افزایش قیمت داشته اند اما نود درصد دیگر ثابت بوده اند. به این وضعیت، تورم نمی‌گویند. سطح عمومی نیز به معنای صد در صد نیست که هیچ کالایی مستثنی نباشد بلکه غالب کالا مد نظر است.

قید دوم، نامتناسب بودن است. گاه همه کالا و خدمات ممکن است افزایش قیمت داشته باشند، اما به صورت ثابت بوده باشد. مانند اینکه هم دستمزدها و هم کالاها به نسبت ده درصد افزایش داشته باشد. در اینجا افزایش سطح عمومی قیمت‌ها را داریم اما متناسب هستند و تاثیری در قدرت خرید مردم ایجاد نمی‌کند. این نیز مصداق تورم نیست. البته چنین حالتی تقریباً امکان پذیر نیست که تمامی کالاها و خدمات با نسبت ثابت افزایش قیمت داشته باشند.

قید سوم برگشت ناپذیری تورم است. یعنی در مواردی که سطح عمومی قیمت‌ها افزایش داشته باشد اما حالت موقتی داشته باشد و دوباره به جای خود برگردد، تورم نمی‌گویند. بنابراین صرف افزایش قیمت را تورم نمی‌گویند و با توجه به تعریف مزبور، تورم بر موارد زیر صدق نمی‌کند.

۱. افزایش قیمت‌ها تنها مربوط به چند کالا یا خدمت مخصوص، محدود گشته و حالت عمومی نداشته باشد.
۲. افزایش قیمت کالاها و خدمات به صورت متناسب باشد
۳. افزایش قیمت کالاها و خدمات، موقتی بوده و به حالت اولیه خود بازگشت داشته باشد.

انواع تورم

اقتصاددانان، تورم‌ها را از جهت سرعت و نرخ آن به انواع مختلفی تقسیم می‌کنند که عبارتند از:

۱. تورم خزنده (Creeping Inflation): تورم خزنده به تورمی گفته می‌شود که افزایش قیمت سالانه کالاها و خدمات، حداکثر ۳ درصد باشد. اقتصاددانان وجود چنین تورمی را نه تنها معضل اقتصادی نمی‌دانند بلکه آن را به عنوان یکی از لوازم رشد اقتصادی نیز به شمار می‌آورند.

۲. تورم رونده (Walking Inflation): تورم رونده تورمی است که نرخ سالانه آن بین ۳ تا ۱۰ درصد می‌باشد. چنین تورمی آثار تحریمی بر اقتصاد کشور می‌گذارد. در شرایط تورم رونده، مصرف‌کنندگان برای اینکه در آینده پول بیشتری برای تهیه کالاهای مورد نیاز خویش نپردازند، به خرید کالاهایی بیش از نیاز فعلی خود اقدام می‌کنند. معمولاً عرضه‌کنندگان قدرت بر پاسخ‌گویی به افزایش تقاضای مزبور را ندارند. همچنین اگر شرایط حاکم بر تولید وضعیت غیررقابتی باشد - که وضعیت غالب نیز می‌باشد - تولیدکنندگان انگیزه‌ای برای تولید بیشتر در سطح قیمت‌های فعلی نخواهند داشت و همین امر بالا رفتن قیمت‌ها را به دلیل فشار تقاضا و شکاف کمبود عرضه تشدید



طرح‌های اقتصادی مجلس یا دولت که به مجلس می‌دهد، حتما باید پیوست تورمی داشته باشد و ارتباط آن با تورم روشن باشد و اگر تورم زاست تا چه اندازه است؟ همچنین پیوست اقتصاد مقاومتی داشته باشد. اقتصادی متکی بر خودکفایی، رشد تولید داخلی، درون زایی، دانش بنیانی و... همگی منجر به افزایش تولید می‌شود و مانع تورم آزردهنده می‌شود.

ها افزایش نیابد این قشر که تسهیلات را گرفته تصمیم بر افزایش قیمت گرفته است. رقابت هم کامل نیست و لذا تبانی‌هایی بر افزایش قیمت صورت می‌گیرد که منجر به تورم می‌شود. مگر آنکه سیاست‌های دولت دقیق بوده و نظارت‌ها تشدید یابد.

عامل دیگر شوک‌های ارزی است. هرگاه نرخ ارز دستگیری شده و بالا رفته شاهد تورم بوده ایم. مثلا در حذف نرخ ترجیحی این اتفاق افتاد. آزاد سازی قیمت‌ها و... موجب تورم می‌شود و از طریق افزایش تولید وارد می‌شود.

وقتی تولید کننده از انرژی رایگان استفاده می‌کند، وقتی قیمتش آزاد شود، طبیعتا قیمت محصول تولید شده نیز افزایش می‌یابد. بنابراین در میان انواع تورم‌ها، در اقتصاد ایران از نوع تورم سواره است و برای مقابله با آن راهکارهای مناسبی سیاست‌های پولی و مالی باید داشت.

در شوک‌های ارزی با توجه به اینکه ۸۵ درصد از کالاهای وارداتی برای جمهوری اسلامی ایران واسطه‌ای می‌باشند و تجهیزات تکنولوژیکی اند و کالاهای مصرفی نبوده اند. در واقع حلقه‌ای از تولید را تکمیل می‌کنند. طبیعی است وقتی نرخ ارز افزایش پیدا می‌کند، این کالا با قیمت سابق به دست تولید کننده نمی‌رسد. البته فرض این است که در کشور مبدا تغییری نکرده باشد. اما اگر تورم

حجم زیادی از پول و غیر متناسب با اقتصاد در اختیار جامعه قرار می‌گیرد تعداد متقاضیان زیاد می‌شود چون نقدینگی دارند. در اینجا با کمبود کالا مواجه می‌شود.

البته حجم نقدینگی می‌تواند در دست عموم مردم یا طبقه خاصی باشد و بر اثر شرایط زمان و مکان متفاوت است اما اثر تورمی آن قطعی است. مثلا بانک‌های خصوصی با عموم مردم ارتباط ندارند و بلکه بنگاه داری اقتصادی می‌کنند یا سرمایه‌گذاران بزرگی دارند که به آنها وام‌های کلان می‌دهند. بانک سود خود را از همین طریق به دست می‌آورد و تسهیلات به صورت عادلانه در اختیار همه قرار نمی‌گیرد. اما در نهایت تورمی که ایجاد می‌شود متوجه همه جامعه به ویژه قشر ضعیف جامعه می‌شود. در هر صورت اگر عادلانه هم این حجم نقدینگی توزیع شود منجر به تورم می‌شود.

عامل دیگر انتظارات تورمی است. انتظارات عقلایی یکی از مقولات بسیار مهم در اقتصاد به شمار می‌رود. انتظارات عقلایی به معنای پیش بینی آینده اقتصاد است. اگر پیش بینی مردم نسبت آینده، افزایش قیمت‌ها باشد و سیاست‌های مناسبی از طرف دولت به منظور خنثی سازی چنین انتظاراتی اتخاذ نشود، از چند جهت موجب تورم می‌شود. در شرایط فعلی چنین انتظاری در میان فعالان اقتصاد و بازارهای مختلف وجود دارد. برخی بانکها می‌گویند عده‌ای از ما درخواست تسهیلات برای خرید نهاده‌های تولید می‌کنند وقتی بررسی می‌شود انبارهای پر از نهاده‌ها را می‌بینیم.

اما چون بعد از انتخابات افزایش قیمت پیدا می‌کند، از امروز آن‌ها را ذخیره می‌کنند. یعنی نیاز ندارد اما افزایش تقاضا صورت می‌گیرد. اگر قیمت



بر اثر تورم
وارداتی باشد،
بالتبع منجر به تورم
داخلی می شود.

حتی نسبت به کالاهای وارداتی که واسطه ای هم نباشند نیز باز افزایش نرخ ارز می تواند منجر به تورم شود. یعنی وقتی کالا نهایی باشد و وارداتی باشد و قیمتش به خاطر افزایش نرخ ارز افزایش یابد، کالاهای مشابه تولید داخل هم به دلیل جانشینی بودن کالا افزایش می یابد. مثلاً وقتی قیمت یخچالهای وارداتی افزایش یابد یخچالهای تولید داخل نیز افزایش می یابد.

اما عمدتاً در اقتصاد ایران اکثر کالاهای وارداتی واسطه ای اند، شوک های ارزش از طریق افزایش هزینه های تولید منجر به ایجاد تورم می شود. از همین رو توصیه می شود سیاست تثبیت نرخ ارز دنبال شود. تجربه نیز نشان داده این سیاست موجب تثبیت تورم است.

البته قطعی است که منافع برخی افراد در افزایش نرخ ارز باشد. چون ارز خود از منظر فقهی و واقعی نیز یک کالا است اما این افزایش در نهایت به ضرر اقتصاد کشور است. اینکه این ارز مربوط به کدام کشور باشد، اگر آن کشور تورمی باشد، نرخ ارزشان بالاتر نمی رود. نرخ ارزهای دو گانه که ترجیحی و آزاد است حالت یارانه ای دارد. گاه دولت ها برای جبران کسری بودجه نیز بار ارز ترجیحی نمی رود. گاه در شوک ارزی اخیر دولت و حذف ارز ترجیحی، نه به منظور کسری بودجه بلکه برای جلوگیری از فسادهای اقتصادی و قاچاق بود. هر چند می توانست راهکار دیگری نیز اتخاذ شود. اما به هر حال این کار صدمات زیادی به کشور وارد کرد.

مورد دیگر نیز بانکهای خصوصی بودند. در شش ماه اول ۱۴۰۲ بانکهای خصوصی ۹۲ همت اضافه برداشت از بانک مرکزی داشته اند و همه موجب افزایش تورم می شود. سهم این بانکها در نهضت ملی مسکن صفر بوده است. اگر تسهیلات به سمت مسکن بیاید، قیمتها کنترل می شود. یعنی از دو جهت اضافه برداشت و عدم تسهیلات تورم زایی می شود. سفته بازی و فعالیت های غیر مولد اقتصادی موجب تورم می شود. نظارت جدی بانک مرکزی و مجلس برای جلوگیری از آن می تواند موثر باشد.

نقش مجلس در مهار تورم

همه واقفند که تورم امروز جمهوری اسلامی ایران از نوع سواره است. اینکه مقام معظم رهبری امسال را به عنوان مهار تورم و رشد تولید نامیده اند از اهمیت آن خبر می دهد. علاوه بر آنکه سالهای متوالی شعارهای سال اقتصادی بوده

اند. یعنی اولویت اول اقتصادی است. خصوصاً جنگ دشمن از نوع اقتصادی است. مقام معظم رهبری در پیام نوروزی بحث تورم را از جمله تلخی های سال ۱۴۰۱ می دانند و می فرمایند «تلخی ها عمدتاً تورم بود. گرانی بود که حقیقتاً تلخ است. به خصوص گرانی در خوراکی و مواد اصلی زندگی... بیشترین سنگینی اش به دهک های پایین جامعه است چون در سید خانواده بیشترین سهم را خوراکی و موارد ضروری زندگی دارد.» مجلس به عنوان نهاد قانونی و نظارتی، از ظرفیت ها و ابزارهای قانونی بالایی برخوردار است. مردم نیز توجه به این اولویت داشته باشند که نمایندگانی که دغدغه حل اقتصاد کشور و ثنایا معتقد به اقتصاد مقاومتی و در نهایت دارای تخصص های اقتصادی هستند، انتخاب کنند. در طول تاریخ ادوار مجلس، نسبت نمایندگانی که دارای تخصص اقتصادی هستند به کل نمایندگان، نسبت مطلوبی نبوده است. در حالی که بخش قابل توجهی از مباحث و طرح ها و لوایح مجلس بعد اقتصادی دارد. همچنین در عضویت کمیسیون های تخصصی مجلس مانند اقتصاد و انرژی و عمران و کشاورزی، افزایش عضویت داشته اند که تخصص لازم را نداشتند. وقتی نماینده متخصص اقتصادی داشتیم، می توانیم شاهد تصویب قوانین خوب اقتصادی نیز باشیم.

نکته دیگر آنکه طرح های اقتصادی مجلس یا دولت که به مجلس می دهد، حتماً باید پیوست تومی داشته باشد و ارتباط آن با تورم روشن باشد و اگر تورم زاست تا چه اندازه است؟ همچنین پیوست اقتصاد مقاومتی داشته باشد. اقتصادی متکی بر خودکفایی، رشد تولید داخلی، درون زایی، دانش بنیانی و... همگی منجر به افزایش تولید می شود و مانع تورم آزاردهنده می شود.

همچنین اقدام دیگر استفاده از اندیشکده و نظریه پردازان اقتصادی است. البته در دفتر پژوهشهای مجلس و مرکز تحقیقات آن، چنین رویه ای دارد. اما در عین حال باید حساسیت ها بیشتر باشد. نظر همه اندیشمندان شنیده شود تا به نتیجه بهتری بدست بیاید.

راهکار دیگر بازنگری قوانین قبل با نگاه مهار تورم است. ممکن است قانونی در زمانی که مشکل تومی نداشتیم قانونی اقتصادی تصویب شده اما امروز در شرایط فعلی تورم زاست. نقش دیگر مجلس، رای اعتماد به وزیر اقتصاد و صنعت معدن و... حتماً برنامه های ضد تورمی مطالبه کند و عملیاتی بودن آنها را بررسی کند. وقتی به وزیر نیز رای اعتماد داد، عملکرد آن وزیر را نیز نظارت کند. حق سوال و استیضاح برای خود قائل باشد و از مسئولین توضیح بخواهند.

بنابراین مجلس در مهار تورم و رشد تولید از دو بعد قانونگذاری و نظارتی نقش بی بدیلی دارد اگر دغدغه اصلی تحقق اقتصاد مقاومتی و تحقق منویات مقام معظم رهبری باشد، باید قوانین در این راستا بوده باشند. از این منظر باید گفت در راس امور است.